

توضیحی در باره مالیت داشتن یک شیء

توضیحی درباره مالیت داشتن یک شیء

مالیت، اعتباری عقلایی است؛ یعنی در خارج ما به از آن ندارد. بلکه اعتباری عقلی و ذهنی است که عقلاء این را برای شیئی فرض می کنند. منشأ این اعتبار هم نفعی است که باعث رغبت عقلاء به آن می شود و حاضر می شوند در قبال آن عوضی بدهند، یا برای به دست آوردن آن تلاش کنند؛ مثل حیازت مباحات (۱). ولی اگر چیزی باشد که عقلاء هیچ رغبتی به آن ندارند، زیرا هیچ منفعتی در آن تصور نمی شود، این شیء مال نیست. بنابراین ملاک مالیت، مقابله به عوض نیست، بلکه رغبت انسان به آن است و این رغبت، به حسب زمان و مکان متفاوت است. یک شیء ممکن است در زمانی مورد رغبت نباشد؛ چون یا نفعی ندارد، یا نفع آن شناخته شده نیست؛ مثل زمانی که نفت از چاه ها بیرون می زد و کسی آن را نمی شناخت و رغبتی به آن نداشت. پس در آن زمان مالیت نداشت. اما امروزه به گران قیمت ترین و نفیس ترین متاع تبدیل شده است. به حسب مکان هم مالیت متفاوت است؛ مثل غذایی که در منطقه ای پرتعداد است و منطقه ای دیگر به آن بی رغبت اند. همچنین ممکن است به حسب اختلاف اشخاص هم متفاوت شود؛ گاهی چیزی برای کسی ارزش دارد، نسبت به او مال محسوب شود. اما برای دیگری هیچ ارزشی ندارد، نسبت به او مال محسوب نیست. بنابراین مالیت به حسب زمان، مکان و اشخاص امر متغیری است؛ چنان که به حسب عادات این چنین است.

رغبت شخصی ملاک مالیت

هرچند مالیت یک اعتبار عقلایی و تابع رغبت است، اما لازم نیست رغبت نیز عقلایی و عمومی باشد. بلکه می تواند شخصی باشد؛ مثل کسی که به دلایل شخصی به یک شیء رغبت دارد. از این رو این شیء برای او مالیت پیدا می کند هرچند عقلاء این رغبت را قبول نداشته باشند. یعنی اگر عقلاء شیئی را که می دانند برای کسی مرغوب است-نه اینکه لزوماً خودشان هم به آن رغبت داشته باشند- تصدیق کردند که می شود در مقابل این رغبت مالی گرفت، این می شود عقلایی. مثل کسی که به حیوانی علاقه مند است و مثلاً می خواهد انواع پشه ها را جمع کند، نمی توانید بگویید چون پشه مالیت ندارد، با از بین بردن پشه های او ضامن نیستیم. یا اگر کسی برگ های خشکیده گل هایی را به دلیل رغبتش به این کار جمع می کند، نمی شود گفت این مالیت ندارد. وقتی رغبت شد - هرچند رغبت شخصی- برای او مال است؛ هرچند دیگران رغبتی ندارند. (مکاسب محرمة، ج ۱۲۹، ص ۳)

[۱]. حیازت عبارت است از تصرف کردن مباحات منقولی که ملک کسی نیست؛ مانند آب دریاها و رودخانه های عمومی، ماهی دریا، هیزم و علوفه زمین های بدون مالک و پرندگان بی صاحب. شارع مقدس حیازت را سبب قهری برای تملک قرار داده است؛ چه مشروط به قصد تملک باشد و چه صرف حیازت.